

امام مهدی (عج) در روایات

<"xml encoding="UTF-8?">



امام مهدی عج در روایات

مؤلف کتاب گران سنگ انیس الاعلام مرحوم جدید الاسلام که یکی از کشیشان مسیحی بوده و از اطلاعات گسترده ای برخوردار بوده است و پس از تحقیقات بسیار حقیقت ناب و هدایت راستین را در مکتب تشیع یافته و بدان می گردد؛ می نویسد: در میان تمام اقوام و ملل یکتاپرست جهان دو موضوع مورد اتفاق و تایید همگان است و هیچ کس در آنها خدشه نکرده است: نخست مسئله توحید و وحدانیت پروردگار هستی و دیگر موعود نجات بخش.

در پی این گفتار برآن شدیم تا برخی از احادیث شعبیه و سنی پیرامون مهدی آل محمد علیهم السلام را که در آنها به نام مبارک آن حضرت تصریح شده است، حکایت کنیم تا جلابخش جان افسردگان گردد و کافر پیشه گان را حجت و برهان.

مهدی در روایات اهل تسنن

در مورد امام مهدی در کتب اهل سنت روایات زیادی وجود دارد که ما در این جا از برخی کتب معتبر آنان روایاتی را از نظر می گذرانیم.

1 عن عبدالله بن عباس قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إن خلفائي وأوصيائي وحجج الله على الخلق بعدى أثنا عشر، أولهم أخى وآخرهم ولدى قيل: يا رسول الله ومن أخوك؟ قال: علي بن أبي طالب قيل: فمن ولدك؟ قال: المهدي الذي يملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً. والذي بعثني بالحق بشيراً لو لم يبق من

الدنيا إلّا يوم واحد لطوّل الله ذلك اليوم حتّى يخرج فيه ولدى المهديّ فينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلّي خلفه، وتشرق الأرض بنور ربّها ويبلغ سلطانه المشرق والمغرب» (1).

رسول خدا صلّى الله عليه وآله فرمودند:

جانشینان من و اوصیاء من و حجّت های خدا بر مخلوقات خدا بعد از من دوازده نفر می باشند اولین آنها برادر من و آخرین آنها فرزندان من می باشد پرسیدند: ای رسول خدا برادرت کیست؟ حضرت فرمودند: علی بن ابی طالب (علیه السلام) (سؤال شد فرزندان کیست؟ فرمودند: مهدی است که زمین را از قسط و عدل پر می کند بعد از آنکه از جور و ظلم پر شده باشد. قسم به خدائی که مرا از روی حق و برای مرده دادن مردم برانگیخت اگر از عمر دنیا به جز يك روز نمانده باشد، خداوند آن يك روز را آنقدر طولانی می کند تا اینکه در آن فرزندان مهدی ظهور کند و سپس روح الله عيسى بن مريم پائین می آید و پس پشت سر او نماز می خواند و زمین به نور پروردگارش روشن می شود و سلطنت او مشرق و مغرب دنیا را فرا می گیرد.

2 عن حذيفة قال: قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله)

«المهديّ رجل من ولدي، وجهه كالقوكب الدرّي» (2).

رسول خدا فرمودند: مهدی علیه السلام یکی از فرزندان من است، صورت او مانند ستاره ای درخشان می باشد.

3 عن حذيفة قال قال رسول الله (صلّى الله عليه وآله وسلّم): «يلتفت المهديّ وقد نزل عيسى بن مريم، كأنّما يقطر من شعره الماء، فيقول المهديّ تقدّم صلّ بالنّاس. فيقول عيسى: اما أقيمت الصلاة لك. فيصلّي خلف رجل من ولدي (3)».

رسول خدا صلّى الله عليه وآله فرمودند: مهدی علیه السلام می بیند که حضرت عيسى بن مريم از آسمان نازل می شود گویی آب از موهای سر او می چکد پس مهدی علیه السلام به او می فرماید جلو بیا و با مردم نماز جماعت بخوان (یعنی امام جماعت باش) پس حضرت عيسى به او عرض می کند آیا نماز برای تو برپا نشده است؟ پس او به امامت فرزندان مهدی نماز می خواند.

4 به اسنادی عن أبي سعيد الخدري قال: «خشينا أن يكون بعد نبينا حدث فألنا نبى الله صلّى الله عليه وسلّم فقال: إنّ في أمّتي المهديّ يخرج يعيش خمساً أو سبعاً أو تسعاً زيد الشاك قال. قلنا وما ذاك؟ قال: سنين قال. فيجىء إليه رجل فيقول يا مهدى: اعطني اعطني قال: فيحّثي له في ثوبه ما استطاع أن يحمله (4)».

ابو سعيد خدری می گوید: ترسیدیم که بعد از پیامبر اکرم صلّى الله عليه وآله و سلم حادثه ای رخ دهد پس از آن حضرت سؤال کردیم فرمود: همانا در امت من مهدی علیه السلام خروج می کند زندگی می کند پنج سال یا هفت سال یا نه سال (تردید از زید است) گفت: پس گفتیم چه وقت این اتفاق می افتد حضرت فرمودند سالهایی بعد؛ فرمودند: پس می آید نزد او مردی و می گوید ای مهدی به من عطایی کن! پس در لباس او آن قدر می ریزد که نمی تواند آنها را حمل کند و ببرد.

5 عن أمّ سلمة قالت: سمعت رسول الله (صلّى الله عليه وآله) يقول:

«المهديّ من عترتي من ولد فاطمة (5)».

أمّ سلمه گفت از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: مهدی از عترت من است از فرزندان فاطمه سلام الله علیها .

6 ابی سعید الخدری قال: «قال رسول الله صلّى الله عليه وآله المهديّ منّي، أجلى الجبهة، أقنى الأنف يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، يملك سبع سنين» (6)

مهدی ارواحنا فداه از من است پیشانی بلند دارد و بینی کشیده، زمین را از قسط و عدل پر می کند بعد از آنکه از

جور و ظلم پر شود و هفت سال حکومت می کند.

مهدی در روایات شیعه

در منابع و مصادر روایی و حدیثی شیعه همچون کتاب ارزشمند کافی، کتاب الغیبة طوسی و نعمانی و . . . روایات بسیاری وجود دارد که امامان معصوم علیهم السلام در موقعیتهای و مناسبتهای گوناگونی در مورد حضرت مهدی علیه السلام سخنانی بیان فرموده اند و این نشانگر اهمیت و حساسیت این مطلب از دیدگاه آنان است. و اگر در برخی روایات به طور سربسته این مطلب بیان شده است این بخاطر شرایط و محدودیت های آن زمان می باشد بگونه ای که به عده ای از آن بزرگواران اجازه نمی دادند تا این اصل عقیدتی، اجتماعی و دینی را بصورت روشن تری بیان کنند. در این باره به شاخه گلی از بوستان گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام اشاره می کنیم:

پیامبر صلی الله علیه و آله

1. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «المهدي عليه السلام من ولدی اسمه اسمی وكنيته كنيته أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً تكون له غيبة وحيرة تضل فيه الأمم ثم يقبل كالشهاب الثاقب فيملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً (7)».

رسول خدا فرمودند: مهدی علیه السلام از فرزندان من است اسمش اسم من است و کنیه اش کنیه ی من، از نظر اخلاق و خلقت از همه مردم به من شبیه تر است. برای او غیبت و حیرتی است که امتیهای در آن دوران گمراه می شوند سپس ظاهر می شود همچون شهابی که روشنایی می دهد و بسرعت حرکت می کند و زمین را از عدل و قسط پر می کند بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد .

2. وعن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو مقتد به قبل قيامه يأتي به وبأئمة الهدى من قبله ويبرئ الى الله من عدوهم أولئك رفقاى وأكرم أمتى على (8)».

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا بحال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و به او اقتدا کند قبل از قیامش، پیرو او و تابع ائمه ی هدایت قبل از او باشد و از دشمنان ایشان به سوی خدا پناه آورد ایشان رفیقان من هستند و گرامیترین افراد امت، نزد من می باشند.

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

حضرت مولی الموحدين علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) ضمن خطبه ای در ستایش پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

1. «فنحن أنوار السموات والأرض وسفن النجاة وفينا مكنون العلم وإلينا مصير الأمور وبمهدّينا تقطع الحجج فهو خاتم الأئمة ومنقذ الأمة ومنتهى النور وغامض السرّ، فليهنأ من استمسك بعروتنا وحشر على محبتنا (9)». ما نورهای آسمان و زمین و کشتیهای نجات هستیم. دانش، در ما نهان است و ما گنجینه ی آنیم و سرانجام کارها بسوی ماست و مهدی ما، آخرین حجّت است. او آخرین امام معصوم، نجات بخش امتها، آخرین نور رسالت و امامت و معمای پیچیده ی آفرینش است. گوارا باد آنان را که به رشته محبت و ولایت ما چنگ زده و با محبت ما محشورند.

نیز حضرت جواد علیه السلام از پدران گرامیشان آورده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

2. «للقائم ممّا غيبة أمدّها طويل کأنّی بالشیعة یجولون جولان النعم فی غیبتہ. یطلبون المرعى فلا یجدونه ألا فمن ثبت منهم علی دینہ ولم یقس قلبه لطول أمد إمامه فهو معی فی درجتی يوم القيامة (10)». برای قائم ما غیبتی بسیار طولانی است و من شیعیان را می نگرم که در غیبت او بسان گله بدون شبان سرگردان دنبال چراگاهند و نمی یابند. آگاه باشید که هر کس از اینان بر دین خویش استوار باشد و بخاطر غیبت طولانی آن حضرت قلبش سخت نگردد چنین کسی با من است و در قیامت در درجه ی من.

حضرت فاطمه سلام الله علیها

«عن جابر بن عبد الله الانصاری قال دخلت علی فاطمة علیها السلام و بین یديها لوح فيه أسماء الأوصياء من ولدها فعددت اثني عشر آخرهم القائم علیہ السلام ثلاثة منهم محمد وثلاثة منهم علی (11)». جابر بن عبدالله انصاری می گوید: خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسیدم، در دستان آن حضرت لوحی را دیدم که نام تنی چند از فرزندان او را که از جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند در آن دیدم، شمردم دوازده نفر بودند و آخرین آنها قائم علیه السلام بود، سه نفر از آنها محمد و سه نفر علی در آنها دیده می شد.

امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «... أما علمتم أنّہ ما ممّا أحد الا ویقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه إلّا القائم الذی یصلّی روح الله عیسی بن مریم خلفه، فإنّ الله عزّ وجلّ یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلاّ یكون لأحد فی عنقه بیعة إذا خرج ذاك التاسع من ولد أخی الحسین ابن سیّد الاماء یطیل الله عمره فی غیبتہ، ثمّ یظهره

بقدرته فی صورة شابّ ابن دون أربعین سنة، ذلك لیعلم أنّ الله علی کل شیء قدیر (12).»

مردم! آیا نمی دانستید که هر کدام از ما خاندان وحی و رسالت مجبور به بیعت با حکمران طغیانگر زمان خود می شویم مگر قائم ارواحنا فداه که حضرت عیسی بن مریم روح الله به او اقتدا می کند و نماز می خواند چرا که خداوند ولادت او را مخفی و شخص او را نهان می دارد تا هنگامی که به دستور او ظهور کند بیعت قدرتمداری را به گردن نداشته باشد او نهمین امام معصوم از نسل برادرم حسین علیه السلام است و فرزند بهترین کنیزان. خداوند در غیبت او عمر او را طولانی می کند و سپس به قدرت خویش او را در چهره ی جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می سازد تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست.

امام حسین علیه السلام

حضرت سیدالشهداء علیه السلام فرمود:

1. «لو لم یبق من الدنیا إلاّ یوم واحد لطوّل الله عزّ وجلّ ذلك الیوم حتّی یرج رجل من ولدی یملأها عدلاً

وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، كذلك سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقول (13).»

اگر از عمر این جهان تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی می سازد تا مردی از فرزندان من ظهور کند و جهان را همانگونه که از ظلم و جور لبریز گشته است از عدالت پر سازد. این واقعیت را همین گونه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود.

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمودند:

2. «لو قام المهدی لأنکره الناس، لأنّه یرجع إلیهم شابّاً وهم یحسبونه شیخاً کبیراً (14).»

اگر مهدی علیه السلام قیام کند مردم او را انکار می کنند و نمی شناسند زیرا آن حضرت در اوج جوانی ظهور می کند و حال آنکه آنها می پندارند که او پیر و کهنسال است.

حضرت سجّاد علیه السلام

بعد از شهادت سیدالشهداء علیه السلام در شام حضرت سجّاد علیه السلام در روز جمعه ای که یکی از سردمداران یزید خطبه ی شوم خود را می خواند، امام سجاد علیه السلام در آنجا بپا خواست و او را با تندی خطاب کرد و بعد مطالبی ایراد نمود؛ از آن جمله فرمود:

1. «أیّها الناس! أعطینا سنّاً وفَضّلنا بسبع، أعطینا العلم والحلم والسماحة والفصاحة والشجاعة والمحبة فی قلوب المؤمنین وفَضّلنا بأنّ منّا النبی المختار ومنّا الصّدّیق ومنّا الطیّار ومنّا أسد الله وأسد رسوله ومنّا سبطی هذه الأمّة ومنّا مهدی هذه الأمّة...»

هان ای مردم! خدا به ما شش ویژگی عطا فرموده و با شش امتیاز ما را بر همگان فضیلت و برتری بخشیده است خدا به ما نعمت گران بهای دانش، بردباری، سخاوت، فصاحت و شجاعت عنایت فرمود؛ و بذر مهر و محبت ما را

بر دلها و قلبهای باایمان افشانده است. و نیز ما را به هفت ویژگی برتری و فضیلت بخشیده است پیامبر برگزیده ی خدا از ماست و صدیق امت امیر مؤمنان و جعفر طیار و حمزه شیر خدا و پیامبر و دو نواده ی گرانمایه ی پیامبر حسن و حسین علیها السلام و مهدی این امت از ماست. و نیز آن حضرت فرمودند:

2. «القائم منّا تخفى ولادته على الناس حتى يقولوا: لم يولد بعد، ليخرج حين يخرج وليس لأحد في عنقه بيعة (16)»

قائم که از ماست ولادت او بر مردم مخفی می ماند به گونه ای که مردم می گویند: او هنوز بدنیا نیامده است تا بدینگونه ظهور کند و به هنگامه ی ظهور، بیعت هیچ کس را بر عهده نداشته باشد.

امام محمد باقر علیه السلام

ابو جارود از امام باقر علیه السلام آورده است که روزی به من فرمود:

1. «يا أبا جارود! إذا دار الفلك وقال الناس: مات القائم أو هلك، بأى واد سلك وقال الطالب: اتى يكون ذلك وقد بليت عظامه فعند ذلك فأرجوه، فإذا سمعتم به فأتوه ولو حبواً على الثلج (17)».

یعنی ای ابا جارود اگر روزگار به گونه ای بود که مردم گفتند: «قائم آل محمد علیهم السلام از دنیا رفته یا به شهادت رسیده و یا سرنوشت او روشن نیست و دیگری گفت که از کجا چنین خبری خواهد بود . . . در همان اوج حیرت و ناامیدی و تردید مردم، تو به ظهور او امیدوار باش و هنگامی که خبر ظهور او را شنیدی به هر صورت ممکن، حتی خزیدن بر روی برف بسوی او بشتاب».

و همچنین بانوی دانش پژوهی به نام (ام هانی) می گوید: بامدادی بر حضرت باقر علیه السلام وارد شدم و گفتم:

2. «يا سیدی! آية في كتاب الله عزّ وجلّ عرضت بقلبي فاقلقتني واسهرتني قال: فاسألي يا أمّ هانی قالت: قلت قول الله عزّ وجلّ: (فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس) قال: نعم المسألة سألتيني يا أمّ هانی! هذا مولود في آخر الزمان، هو المهدى من هذه العترة تكون له حيرة وغيبة يضلّ فيها أقوام ويهتدى فيها أقوام، فيأطوبى لك ان أدركتیه ويأطوبى لمن أدركه» (18).

سرورم! آیه ای از قرآن شریف ذهن و فکر را بخود مشغول داشته و خوابم را ربوده است فرمود: کدام آیه ام هانی، بپرس! گفتم: این آیه ی شریفه (فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس) فرمود: خوب مسأله ای پرسیدی ای ام هانی این مولودی است در آخر الزمان او مهدی عترت پیغمبر است برای او غیبت و حیرتی است که گروهی در آن گمراه می گردند و گروههایی راه حق و هدایت را می یابند. خوشا بحالت اگر او و زمان او را درک کنی ... و خوشا بحال آنانکه او را درک کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«من أقرّ بجميع الأئمة عليهم السلام وجد المهدى كان كمن أقرّ بجميع الأنبياء وجد محمداً صلى الله عليه وآله نبوته. فقل له: يابن رسول الله فمن المهدى من ولدك؟ قال عليه السلام: الخامس من ولد السابع يغيب عنكم شخصه ولا يحلّ لكم تسميته.»

هر کس به همه ی امامان اهل بیت علیهم السلام ایمان آورد و مهدی آنان را نپذیرد بسان کسی است که به همه ی پیامبران خدا ایمان آورد اما رسالت آخرین آنان محمد صلی الله علیه وآله را انکار کرده باشد. از آن حضرت سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! مهدی علیه السلام کیست آیا از فرزندان شماست. فرمودند: پنجمین امام از نسل پسر "موسی" است او از نظرها غایب می گردد و آوردن صریح نام مقدسش برای شما روا نیست.

امام موسی کاظم علیه السلام

یونس بن عبدالرحمن آورده است که بر امام هفتم علیه السلام وارد شدم و گفتم: یابن رسول الله! أنت القائم بالحق؟ فقال عليه السلام «أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدي، له غيبة يطل أمدها خوفاً على نفسه، يرتد فيها أقوام ويثبت فيها آخرون . . . طوبى لشيعة المتمسكين بحبلنا وفي نسخة: بحبنا في غيبة قائمنا، الثابتين على مواليتنا والبراءة من أعدائنا أولئك منا ونحن منهم، قد رضوا بنا أئمة ورضينا بهم شيعة وطوبى لهم هم والله معنا في درجتنا يوم القيامة (20).»

سرورم آیا شما قائم به حق هستید فرمود: آری من قائم به حق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می سازد و آن را همانگونه که هنگامه ی ظهورش از ستم و بیداد لبریز است از عدل و داد سرشار و مالا مال می سازد، او پنجمین امام از نسل من است. او به فرمان خدا و برای حفظ جان خویش، غیبتی طولانی خواهد داشت به گونه ای که گروههایی راه ارتداد در پیش می گیرند و گروهی در دین خدا و اعتقاد به امامت ثابت قدم می مانند.

آنگاه فرمود: خوشا به حال شیعیان ما آنکه در عصر غیبت قائم ما به ریسمان ولایت و محبت اهل بیت چنگ زده و بر دوستی ما پایدار بوده و به بیزاری از دشمنان ما استوارند؛ آنان از ما هستند و ما از آنان، آنان به امامت ما خشنودند و ما به پیروی آنان از اهل بیت پیامبر خویش. راستی که خوشا به حال آنان! بخدای سوگند که آنان در روز رستاخیز با ما و در درجه ی ما خواهند بود.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

هنگامی که دعبل خزاعی آن شاعر اندیشمند اهل بیت علیهم السلام بر حضرت رضا علیه السلام وارد شد و قصیده ی معروف خویش را خواند تا به این شعر رسید که:

خروج امام لا محالة خارج	يقوم على اسم الله والبركات
يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ	ويجزى على النعماء والنقمات

قیام شکوهمند

امام راستین از خاندان رسالت که بی تردید ظهور خواهد نمود در پرتو نام بلند خدا و برکات او در بین ما حق و باطل را از هم جدا می کند و بر نعمت ها و کردارهای شایسته و نیز بیدادها و ناهنجاریها کیفر در خور خود را خواهد داد.

امام رضا علیه السلام به شدّت گریست و فرمود:

«یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانك بهذین البیتین . . . فهل تدری من هذا الامام؟ ومتی يقوم؟ فقال: لا یا مولای! . . . إِلَّا أَنِّي سَمِعْتُ بِخُرُوجِ اِمَامٍ مِنْكُمْ يَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا.» فقال الامام علیه السلام : یا دعبل الامام بعدی: محمّد ابنی وبعد محمّد ابنه علی وبعد علی ابنه الحسن وبعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبه المطاع فی ظهوره، لو لم یبق من الدنیا إِلَّا یوم واحد لطوّل الله ذلك الیوم حتّی یرج فیملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً» (21).

ای دعبل خزاعی! روح القدس بر زبان تو این دو بیت را گذارد. آیا می دانی این امام کیست و کی قیام می کند؟ پس عرض کرد نه مولای من! مگر اینکه من شنیده ام امامی از شما خروج می کند که زمین را از فساد پاک می کند و آنرا پر از عدل می سازد همچنانکه از جور پر شده باشد. پس امام علیه السلام فرمود: ای دعبل! امام بعد از من محمّد پسر من و بعد از محمّد، علی پسرش و بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن پسرش حجت قائم است که در غیبت انتظار او کشیده می شود و زمان ظهور او از او اطاعت می شود اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا او خروج کند و زمین را پر از عدل کند چنانکه از جور پر شده است. بعد در ادامه ی فرمایشاتشان فرمودند که کسی از وقت ظهور او خبر ندارد و ناگهان به شما ظاهر خواهد شد.

امام جواد علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می کند به محضر امام جواد علیه السلام شرفیاب شدم و تصمیم گرفتم که از او بپرسم آیا او قائم آل محمّد صلی الله علیه وآله است یا دیگری؛ اما پیش از آنکه سخن آغاز کنم فرمود:

«يا أبا القاسم! انّ القائم منّا هو المهديّ! الذي يجب أن يُنتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من وُلدى. والذي بعث محمّدا صلّى الله عليه وآله بالنّبوة وخصّنا بالامامة أنّه لو لم يبق من الدنيا إلّا يوم واحد لطوّل الله ذلك اليوم حتّى يخرج فيه فيملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وانّ الله تبارك وتعالى يصلح له أمره في ليلة. كما أصلح أمر كليمة موسى عليه السلام إذ ذهب ليقتبس لأهله ناراً فرجع وهو رسول نبيّ (22).»

ای ابا القاسم! همانا قائم از ما، مهدی علیه السلام می باشد آن کسی که واجب است در زمان غیبتش، انتظارش را برند و پس از ظهورش فرمانش را اطاعت کنند و او سومین فرزند از نسل من است. قسم به خدایی که محمّد را به نبوّت مبعوث نمود و ما را به امامت برگزید اگر از عمر این جهان تنها يك روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی خواهد ساخت تا او ظهور نموده، جهان را پر از عدل و داد سازد، همانگونه که به هنگامه ی ظهورش از ستم و بیداد لبریز است. خداوند کار قیام او را در يك شب اصلاح می کند همانگونه که کار رسالت و نبوت کلیم خود، موسی بن عمران را به هنگامی که بسوی آتش رفت تا برای خانواده ی خود از آن برگیرد، اصلاح فرمود و او در حالی بازگشت که به رسالت برانگیخته شده بود.

امام هادی علیه السلام

مرحوم صدوق از ابی دلف آورده است که گفت: خود از حضرت هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:
«انّ الامام بعدی الحسن ابنی وبعد الحسن ابنه القائم، الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً (23).»

امام پس از من فرزندم حسن است و پس از او پسرش (قائم) می باشد، همو که زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

امام عسکری علیه السلام

احمد بن اسحاق که از اصحاب امام عسکری علیه السلام است می گوید: خود از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الحمد لله الذي لم يُخرجني من الدنيا حتّى أراني الخلف من بعدی، أشبه الناس برسول الله صلّى الله عليه وآله خلقاً وخُلُقاً، يحفظه الله تبارك وتعالى في غيبته، ثمّ يُظهره فيملاً الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً (24).»

خدای را سپاس که مرا از این جهان بیرون نبرد تا جانشین و امام پس از مرا به من نشان داد. پسر من در چهره، خلق و خوی، شبیه ترین مردم به پیامبر خداست. خداوند او را در دوران غیبتش حفظ خواهد کرد و آنگاه او را فرمان ظهور خواهد داد و آن حضرت، زمین را از عدل و داد لبریز خواهد ساخت همانگونه که از ستم و بیداد پر

شده باشد.

مهدی ارواحنا فداه در آیینی ی فرق اسلامی و متصوفه آنچه که از نظر به عقائد فرق مختلف اسلامی اعم از سنی و شیعه بدست می آید این است که همه ی فرق اسلامی در مسأله ی اعتقاد به حضرت قائم ارواحنا فداه که زمین را از عدل و داد پر می کند، متحد هستند؛ اگر چه برخی دارای عقائد ناصواب و متشکک در مود شخص آن حضرت اند و خود نشان دهنده ی کثرت اهتمام دین اسلام به مسأله ی مهدویت می باشد به تعبیر دیگر آن قدر رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام به قضیه قیام حضرت مهدی ارواحنا فداه و برپا سازی حکومت عدل در سراسر جهان بدست مبارك آن حضرت تأکید فرموده اند که جای هیچگونه انکاری برای مسلمانان نگذاشته و فرق مختلف اگر چه باطل بوده و رؤسای آنها واقف به بطلان مذهب خود می باشند ولیکن این مسأله را نتوانسته اند انکار کنند و همگی بدان اقرار نموده اند.

فرق شیعی

کلمه ی شیعه در لغت به معنای پیرو و تابع است و در کلام رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چنانچه از طریق شیعه و سنی به کثرت روایت شده کسانی هستند که معتقد به خلافت و جانشینی دوازده نفر از اهل بیت پیغمبر خدا (که نام آنها نیز از طریق روایات عامه و خاصه تصریح شده است) باشند و اگر کسی يك نفر از اینها را انکار کند همه را انکار کرده و شیعه و پیرو دین خدا نیست و اگر هم آنها را بعنوان فرقه های شیعی در این جا ذکر می کنیم از این باب است که در برابر اهل تسنن می باشند که آنها از ابتدا هیچکدام از خلفای رسول خدا را به عنوان امام و جانشین آن حضرت نمی دانند والا فرقه ی شیعه يك فرقه بیشتر نیست و مانند سایر فرق احداث نشده است بلکه به نص کلمات رسول خدا پیروان واقعی مولی الموحدين امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و یازده فرزند معصوم آن بزرگوار که آخرین شان حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه می باشند.

لازم به تذکر است کسانی هم که قائل به امامت این دوازده نفر باشند ولیکن برای خود قطبی قائل باشند که مدعی مقام ولایت کلیه ائمه بوده و یا قائل به شیخی باشند که معرفت او را همچون معرفت امام زمان واجب بدانند مانند فرق متصوفه و شیخیه و... آنها هم از جرگه تشیع خارج اند و هر کس غیر دین اسلام با تمام آنچه که پیغمبر خدا از جانب خدا آورده را اختیار کند از او قبول نمی شود چه از آن کم کرده باشند و چه زیاد کرده باشد و مصداق آیه ایمان به بعض کتاب وانکار بعض خواهند بود.

فرقه های شیعی در زمان ائمه علیهم السلام به گروههای مختلفی تقسیم شدند و هر کدام راهی را پیمودند و به گمراهی و ضلالت افتادند چنانکه اهل سنت از ابتدا گمراه شدند. و ما در اینجا نظر تعدادی از این فرق را ذکر می کنیم تا معلوم شود که مسأله ی مهدویت مسأله ی اتفاقی بین همه ی فرقه هاست.

کیسانیه

فرقه ی کیسانیه بر این باورند که مهدی موعود از اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام است و او کسی جز محمد بن حنفیه فرزند آن حضرت نیست. شیخ جلیل ابو محمد حسن بن موسی نوبختی خواهرزاده ی ابو سهل نوبختی که از علمای عهد غیبت صغری است در کتاب "فرق و مقالات" فرموده است: بعد از شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام فرقه ای قائل شدند به اینکه محمد بن حنفیه امام هادی مهدی است و اوست وصی علی بن ابی طالب علیه السلام. و نیست برای احدی از اهل بیت او که او را مخالفت کند و بیرون رود از امامتش و شمشیر بکشد مگر به اذن او و بیرون نرفت حسین علیه السلام برای قتال یزید مگر به اذن او و اگر بیرون رفته بود بی اذن او هلاک و گمراه بود و این که هر که مخالفت کند محمد را کافر و مشرک است. . . .

و چون محمد بن حنفیه وفات کرد در مدینه در ماه محرم سنه ی هشتاد و یک اصحاب او سه فرقه شدند گروهی گفتند: محمد بن حنفیه مهدی است و علی علیه السلام او را مهدی نامید و او نمرده ولکن غایب شده و معلوم نیست در کجاست و بزودی رجوع می کند و پُر می کند زمین را از عدل و امامی نیست بعد از غیبت او تا اینکه باز گردد. . . .

بعضی از آنان نیز قائل به موت او شدند و پسرش ابو هاشم عبدالله بن محمد را مهدی موعود می دانند و غیر ایشان نیز مذاهب دیگری از این فرقه باطل وجود دارد که همگی منقرض شده اند و این خود کافی است در بطلان آنها چرا که گفته ایشان با اجماع و اخبار متواتر مخالف بوده و مهدی آنان از دنیا رخت بسته و هرگز حتی قریه ای را پر از عدل نکرد چه رسد به سراسر گیتی.

فرقه ی مغیریه

مغیریه، اصحاب مغیره بن سعید که بعد از وفات حضرت امام محمد باقر علیه السلام مذهبی اختراع نمود و محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام را مهدی می دانند و می گویند که او زنده است و نمرده و در کوهی که او را علمیه می گویند زندگی می کند. و آن کوهی است در راه مکه در حدّ حاجز سمت چپ. کسی که به مکه می رود و آن کوه بزرگی است و در آنجاست تا خروج کند و محمد در مدینه خروج کرد و همان جا کشته شد(25).

فرقه ی اسماعیلیه خالصه اسماعیلیه خالصه، که منکر فوت اسماعیل، پسر حضرت صادق علیه السلام شدند و او را بعد از آن حضرت امام حی و مهدی قائم می دانند(26).

فرقه ی واقفیه

واقفیه که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را قائم و مهدی موعود می دانند لکن بعضی معتزفند به وفات آن جناب و می گویند زنده می شود و عالم را مسخر می کند و بعضی می گویند از حبس سندی بن شاهک بیرون آمد در روز و کسی او را ندید و اصحاب هارون الرشید شایع کردند بر مردم که او مرده است و او نمرده و غایب شده است!

پینوشت ها

1. ینابیع الموده قندوزی: 3/295 از فرائد السمطین جوینی
2. جامع الصغیر سیوطی: 2/642 ؛ ینابیع الموده قندوزی: 2/104.
3. ینابیع الموده قندوزی: 3/264.
4. سنن ترمذی: 3/343 ؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی: 10/171.
5. سنن ابی داود: 2/310؛ (المهدی من ولد فاطمه) سنن ابن ماجه 2/1368؛ (هو من ولد فاطمه) مستدرک نیشابوری: 4/557 معجم کبیر طبرانی 23/267، میزان الاعتدال ذهبی: 2/249.
6. سنن ابی داود: 2/310؛ مجمع الزوائد هیثمی: 7/314، مسند ابی یعلی: 2/367؛ تاریخ ابن خلدون: 1/314؛ ینابیع الموده قندوزی: 2/103.
7. بحارالانوار، ج 51، ص 72؛ کمال الدین، ج 1، ص 286.
8. کمال الدین: 287
9. بحارالانوار: 74/300.
10. کمال الدین: 303
11. کافی، ج 1، ص 522، باب ما جاء فی الاثنی عشر.
12. کمال الدین: 316.
13. بحارالانوار، ج 51، ص 133.
14. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام: 3/354 از عقد الدرر.
15. بحارالانوار، ج 45، ص 138.
16. کمال الدین، ج 1، ص 324.
17. کمال الدین، ج 1، ص 326.
18. کمال الدین، ج 1، ص 330؛ بحارالانوار، ج 51، ص 137.
19. کمال الدین: 333.
20. بحارالانوار، ج 51، ص 151.
21. کمال الدین، ج 2، ص 372؛ فرائد السمطین، ج 3، ص 337.
22. بحارالانوار، ج 51، ص 156؛ کمال الدین، ج 2، ص 377.

23. كمال الدين، ص 383.

24. كمال الدين، ص 409.

25. نجم الثاقب، ص 215.

26. نجم الثاقب ، ص 215.

27. نجم الثاقب، ص 215.